

یادداشت

چرا نسل جدید، تحلیلگران سیاسی را جدی نمی‌گیرد؟

پایان دوران مرجعیت سیاسی؟

سیدمحمودکمال آرا

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

یکی از بحث‌هایی که به‌تازگی تریسون‌داران در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به آن دامن زده و از این طریق بازدید می‌گیرند، ادعای فهم «نسل زد» و سخن‌گفتن از خواسته‌های آنان است اما آن چیزی که شاید بیشتر در این بین به چشم می‌خورد، فاصله‌گرفتن نسل جدید یا همان «نسل زد» از تحلیلگران سیاسی و جدی‌نگرفتن آنهاست. اگر تا یک دهه پیش برنامه‌های تحلیلی تلویزیونی، ستون‌های روزنامه‌ها و چهره‌های شناخته‌شده سیاسی به‌عنوان مراجع اصلی تا حدی بر افکار عمومی اثرگذار بودند، امروز صحنه دچار تغییر شده است. جوان امروز ضمن اینکه کمتر به تحلیلگران سیاسی مراجعه می‌کند، بلکه حتی اساسا به ضرورت وجود چنین نقشی هم تردید دارد، چراکه گمان می‌کند آن تحلیلگر براساس سفارشات لازم، پشت تریبون حاضر شده و ارائه مطلب می‌کند. این تغییر شاید یک اختلاف سلیقه نسلی نبوده و ریشه در تحولات عمیق اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و حتی روان‌شناختی نیز داشته باشد. در این یادداشت می‌خواهیم چرایی امکان پایان دوران مرجعیت سیاسی برخی تحلیلگران را در منظومه فکری «نسل زد» بررسی کنیم. برای فهم این فاصله، باید ابتدا شرایطی را شناسیم که نسل جدید یعنی نوجوان دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در آن رشد کرده و با فضایی که تقریبا دسترسی به منابع اطلاعاتی نامحدود است، عجبین شده است. او برای فهم مسائل سیاسی دیگر مجبور نیست پای صحبت یک تحلیلگر سیاسی بنشیند یا مقاله‌ای طولانی در روزنامه بخواند، چراکه گوشی هوشمندش دنیایی از روایت‌ها، تحلیل‌ها، شایعات و ویدئوهای کوتاه را در چند ثانیه پیش‌روی او می‌گذارد. این حجم از اطلاعات، نیاز به تحلیلگر سیاسی به‌عنوان میانجی را در میان «نسل زد» تضعیف کرده است.

عامل دوم را می‌توانیم در مؤلفه سرعت جست‌وجو کنیم. نسل جدید در جهانی زندگی می‌کند که تصمیم‌ها و قضاوت‌ها با شتاب شکل می‌گیرد و ازاین‌رو الگوریتم شبکه‌های اجتماعی، محتوایی را برجسته می‌کند که سریع مصرف شده و سریع واکنش ایجاد می‌کنند. در چنین فضایی، تحلیلگر سیاسی که می‌خواهد موضوعی پیچیده را با دقت و حوصله توضیح دهد، از نظر ریتم با سلیقه رسانه‌ای نسل جدید همخوانی ندارد. جوان امروز به تحلیل‌هایی که در یک دقیقه خلاصه می‌شود ارتباط بهتری برقرار می‌کند، هر چند مسائل سیاسی معمولا در یک دقیقه قابل فهم نیستند. نتیجه این ناهمسانی ریتم، احساس بی‌فایدهی تحلیل‌های سنتی است. اما به‌جز مؤلفه سرعت، مؤلفه زبان نیز اهمیت دارد. بخش مهمی از تحلیلگران سیاسی همچنان با ادبیات خشک و حتی گاهی آکادمیک سخن می‌گویند، درحالی‌که نسل جدید زبانی صریح، کوتاه، غیررسمی و نزدیک به تجربه زندگانی‌اش می‌خواهد. وقتی تحلیلگر از پادها و ناپیدها و چارچوب‌های نظری و نظایر آن صحبت می‌کند، بخشی از مخاطب «نسل زد» از همان ابتدا احساس می‌کند که این گفت‌وگو متعلق به او نیست.

عامل دیگر را می‌توان کاهش نسبی اعتماد بخشی از نسل جوان به نهادها و رسانه‌ها دانست. اعتمادی که همیشه تا حدی وابسته به اعتبار رسانه‌ها و نهادهایی بوده که این تحلیلگران در آنها فعالیت می‌کرده‌اند. وقتی اعتبار یک رسانه یا نهاد در نگاه بخشی از جامعه تضعیف شد، آن تحلیلگر نیز ناخواسته بخشی از همان بی‌اعتمادی می‌شود؛ بنابراین نسل جدید که نسبت به کارکرد نهادها حساس‌تر و منتقدتر است، شاید تحلیلگرانی را که در ساختارهای رسمی فعالیت دارند کمتر پذیرا باشد. بنابراین حتی اگر تحلیل دقیق و حرفه‌ای باشد، برچسب «وابسته‌بودن» از اعتبار آن‌زد «نسل زد» می‌کاهد. در کنار اینها، نباید از تجربه زیست سیاسی نسل جدید غافل شد، چراکه بخشی از جوانان، تجربه‌هایی از فضای اجتماعی و اقتصادی دارند که با تحلیل‌های رسمی تریبون‌داران هم‌خوانی ندارد. وقتی فرد در زندگی روزمره خود چیزی می‌بیند که با پیش‌بینی‌ها یا روایت‌های تحلیلگران متفاوت است، احساس می‌کند تحلیلگر از واقعیت دور شده یا عمدا واقعیت را به‌خاطر منافع نهاد بالادستی خود نادیده می‌گیرد. این شکاف بین توصیف‌های رسمی و تجربه شخصی یکی از قوی‌ترین عوامل بی‌اعتمادی بوده و تجربه شخصی برای نسل زد، معتبرتر از هر تحلیل تخصصی است.

از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی فضای جدیدی برای تولیدکنندگان تحلیل‌های غیررسمی فراهم کرده است. امروز هر فردی می‌تواند با یک دوربین و کمی مهارت بیانی، خود را در شبکه‌های اجتماعی، تحلیلگر معرفی کند. بسیاری از این افراد روایت‌هایی ساده‌تر، هیجانی‌تر و نزدیک‌تر به زبان نسل جدید ارائه می‌دهند. مقایسه میان تحلیلگر حرفه‌ای و یک «اینفلوئنسر سیاسی» شاید از نظر علمی بی‌معنا باشد، اما از نظر تأثیرگذاری رسانه‌ای کاملا واقعی است. جوانی که روزانه ده‌ها ویدئو از چنین افرادی می‌بیند، به‌تدریج احساس می‌کند آنها به عقاید و خواسته‌هایشان نزدیک‌تر هستند. با این همه ذکر این نکته ضروری است که نباید تصور کرد نسل جدید ضد تحلیل و تحلیلگر است. برعکس، شواهد نشان می‌دهد که جوانان امروز بیش از گذشته به مسائل سیاسی حساس‌اند و اتفاقا وقت بیشتری برای این کار صرف می‌کنند. مسئله این است که نوع تحلیل، ساختار ارائه و منبع تحلیل برایشان اهمیت داشته و اگر تحلیلگری بتواند سه ویژگی صداقت، شفافیت و همزبانی را به‌دور از شعار ارائه کند، هنوز هم می‌تواند اعتماد این نسل را جلب کند.

در نهایت نکته این است که فاصله نسل جدید با تحلیلگران لزوما یک بحران نبوده و ممکن است نشانه‌ای از یک گذار اجتماعی باشد. جامعه‌ای که در آن افراد جوان‌تر به‌دنبال منابع متنوع‌تر و چندصدایی برای فهم موضوعات سیاسی هستند، شاید به‌طور طبیعی به سمت یک فرهنگ سیاسی جدید همراه با چالش‌های جدیدتر اعم از گسترش اطلاعات نادرست تا تقویت تحلیل‌های سطحی حرکت کنند؛ بنابراین «نسل زد» نه به‌دنبال سخنرانی‌های طولانی و خسته‌کننده است و نه به‌دنبال تحلیل‌هایی که با زندگی‌اش بیگانه است. او تحلیلگر و مرجع سیاسی می‌خواهد که حرف و خواسته‌اش را بفهمد و از آن برای سطوح بالاتر بگوید.

سازمان آگهی‌های‌روزنامه‌شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

«شرق» از اهداف سفر وزیر امور خارجه ترکیه به تهران گزارش می‌دهد

نقش احتمالی ترکیه در معادلات ایران و غرب



مهدی بازگان: هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه، در شرایطی امروز (یکشنبه) به تهران سفر می‌کند که پرونده‌های متعددی میان دو کشور کشوده است؛ از تحولات سوریه و غزه تا آینده روابط اقتصادی و امنیتی. طبق اعلام وزارت خارجه ترکیه، محور اصلی دیدار او با عباس عراقچی و دیگر مقامات ایرانی، بررسی فرصت‌های تقویت روابط و آماده‌سازی برای نشست شورای همکاری سطح عالی است؛ نشستی که قرار است با حضور اردوغان و مسعود یزشکیان در بهمن‌ماه برگزار شود و می‌تواند نقشه راه جدیدی را پیش‌روی دو کشور قرار دهد. در این سفر، موضوعات مهمی همچون امنیت مرزی، مبارزه با تروریسم، توسعه زیرساخت‌های مرزی، تسریع پروژه‌های حمل‌ونقل و افزایش حجم مبادلات تجاری تا سقف ۳۰ میلیارد دلار مطرح خواهد شد. البته نباید فراموش کرد که ترکیه اولین کشوری بود که همراه امسال و پس از فعال‌سازی اسنپ‌ک اعلام کرد که در همسویی با تلاش‌های بین‌المللی مبنی بر تحت فشار قراردادن تهران پیرامون برنامه هسته‌ای ایران، دارای شمار زیادی از افراد و نهادهای مرتبط با این برنامه را تحریم و مسدود کرده است. بنا بر اعلام خبرگزاری‌های ترکیه، این اقدام در پی فرمان صادرشده از جانب رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری این کشور انجام شد و افراد و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را هدف قرار داده است که شامل بلوکه‌کردن دارایی‌ها و حساب‌های ۲۰ نفر ۱۸ نهاد ایرانی می‌شود. اما مهم‌ترین بخش گفت‌وگوها احتمالا مربوط به تحولات سوریه است؛ کشوری که یک سال پس از سقوط حکومت بشار اسد وارد دوره‌ای جدید شده و اکنون احمد الشرع، مورد حمایت ترکیه، ریاست‌جمهوری آن را بر عهده دارد. شرایط میدانی سوریه و رقابت بازیگران منطقه‌ای برای تأثیرگذاری در دولت جدید، نقش ایران و ترکیه را حساس‌تر از گذشته کرده است. هجرمان با پرونده سوریه، موضوع غزه نیز در دستور کار قرار دارد. فیدان قرار است درباره قطع‌نامه اخیر شورای امنیت، تثبیت آتش‌بس و برنامه‌های بازسازی غزه با مقامات ایرانی رایزنی کند. ترکیه در ماه‌های اخیر به‌دنبال افزایش نقش خود در مدیریت بحران و تبدیل‌شدن به میانجی فعال بوده و تهران نیز تلاش می‌کند در معادلات جدید غزه سهمی ثابت داشته باشد. مسائل مربوط به قفقاز جنوبی، تحولات پس از توافق آذربایجان – ارمنستان و آمریکا در خصوص کریدور «مسیر ترامپ» و آینده گفت‌وگوهای صلح میان باکو و ایروان نیز بخشی از دستور کار سفر فیدان است. ترکیه و ایران هر دو بازیگرانی کلیدی در قفقاز هستند و این سفر می‌تواند زمینه‌ای برای هماهنگ‌سازی سیاست‌ها باشد. در کنار این موارد، تحولاتی که در عراق پس از انتخابات اخیر در جریان است نیز اهمیت زیادی دارد. با آغاز وزن‌کشی گروه‌های سیاسی بغداد برای انتخاب نخست‌وزیر جدید، ترکیه تلاش می‌کند جایگاه خود را تقویت کند و این سفر می‌تواند پیش‌درآمدی برای حضور پررنگ‌تر آنکارا در معادلات عراق باشد.

سوریه پس از اسد و تلاش ترکیه برای ایجاد بالانس میان دمشق و تهران

بخش مهم و تعیین‌کننده سفر هاکان فیدان به تهران، به تحلیل ترکیه از وضعیت سوریه پس از گذشت نزدیک به یک سال از قدرت‌گیری احمد الشرع بازمی‌گردد. ترکیه برخلاف گذشته که با فشاری بر کناررفتن اسد هدف اصلی سیاست خارجی‌اش بود، امروز وارد مرحله‌ای شده که نه‌تنها نقش کلیدی در انتخاب الشرع داشت، بلکه به‌طور مستقیم آن دولت جدید حمایت می‌کند. با این حال، آنکارا اکنون نیازمند نوعی بالانس‌سازی دقیق با تهران است؛ چراکه ایران همچنان وزن قابل‌توجهی در منطقه دارد و هیچ دولتی در دمشق نمی‌تواند بدون در نظرگرفتن نقش ایران، ثبات بلندمدت را تضمین کند. از دید ترکیه، سوریه پس‌اسد نیازمند یک مدل امنیتی تازه است؛ به‌خصوص عقبه امنیتی خود هاکان فیدان این گزاره را تقویت می‌کند. در یک تحلیل، آنسکارا به دنبال بازی سیاست صرف و سودی ایران در سوریه است. نقش آفرینی ایران برای ترکیه ضروری است، زیرا دولت الشرع هنوز در حال تثبیت قدرت خود است. موضوع مهم دیگر، حضور نیروهای باقی‌مانده پ.ک.ک در شمال و شمال‌شرق سوریه است. پس از بنایبه عبدالله اوجالان در سال و اعلام رسمی پایان مبارزه مسلحانه، معادلات امنیتی منطقه دستخوش تغییر شده است. امروز پ.ک.ک دیگر یک بازیگر یکپارچه نظامی نیست و بخش‌های مختلف آن مسیرهای متفاوتی را دنبال می‌کنند. ترکیه می‌کوشد ایران را متقاعد کند که از فرصت به‌وجودآمده برای ایجاد یک ساختار امنیتی مشترک استفاده کند؛ ساختاری که جایگزین مناسبی برای عملیات‌های فرسایشی یک دهه گذشته باشد. از این منظر، سفر فیدان نه صرفا یک گفت‌وگوی دوجانبه، بلکه تلاشی برای شکل‌دادن به یک معماری تازه است.

نقش احتمالی ترکیه در معادلات ایران و غرب و پیامدهای منطقه‌ای سفر فیدان

در کنار پرونده سوریه، یکی از مهم‌ترین بخش‌های سفر هاکان فیدان، جایگاه ترکیه در میانجی‌گری احتمالی میان ایران و غرب است. طی ماه‌های گذشته، دو بار مذاکرات حمرمانه میان معاونان وزیر خارجه ایران و ترونیگاری اروپا در آنکارا برگزار شد. این مذاکرات اگرچه به نتیجه مثبتی ختم نشد، اما پیام روشنی برای اروپا و آمریکا داشت که ترکیه همواره آماده است نقش میزبانی و تسهیلگری را در بحران هسته‌ای ایران و یکپیرایی پس از فعال‌سازی مکانیزم ماشه ایفا کند. آنکارا با درک شرایط جدید پس از ماشه و فضای فشار بر ایران، تلاش می‌کند موقعیتی شبیه به دوران ۲۰۱۰-۲۰۱۲ را احیا کند؛ دورانی که ترکیه و برزیل پیشنهاد مبادله سوخت را مطرح کرده بودند. اکنون نیز ترکیه به آن است که نقش خود را به‌عنوان میانجی قابل‌اعتماد معرفی کند؛ زیرا هم با ایران روابط اقتصادی گسترده دارد. هم با اروپا و آمریکا تعاملات راهبردی. سفر فیدان می‌تواند بخشی‌از این مسیرسازی دیپلماتیک باشد. ترکیه امیدوار

است بتواند تهران را متقاعد کند که بازکردن یک کانال پایدار گفت‌وگو با غرب، حتی اگر به توافق منجر نشود، فشارهای سیاسی و اقتصادی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، تحولات عراق پس از انتخابات پارلمانی، اهمیت این سفر را دوچندان کرده است. اکنون رقابت جدی برای تعیین نخست‌وزیر جدید آغاز شده و وزن‌کشی میان ائتلاف‌های شیعی، کردها و اهل سنت، فضای سیاسی بغداد را به سمت یک بازآرایی تازه سوق داده است. ترکیه می‌داند که آینده دولت عراق، مستقیم بر معادلات امنیتی مرزهای جنوب آنکارا، وضعیت اقلیم کردستان و پروژه‌های اقتصادی کلان مانند دالان توسعه و خطوط‌های انرژی تأثیر خواهد گذاشت. فیدان با سفر به تهران، در پی آن است که حداقل هماهنگی لازم را برای جلوگیری از شکل‌گیری یک دولت ضدترکیه‌ای در بغداد ایجاد کند. در موضوع قفقاز جنوبی نیز سفر فیدان اهمیت ویژه‌ای دارد. پس از استقرار کامل حاکمیت آذربایجان بر قره‌باغ و آغاز مذاکرات جدید میان باکو و ایروان، نقش ایران و ترکیه بار دیگر برجسته شده است. ترکیه می‌کوشد مسیرهای ترانزیتی جدید را در هماهنگی با ایران تعریف کند تا نه‌تنها فشارهای امنیتی بر مرزهای مشترک کاهش یابد، بلکه مسیرهای اقتصادی جدید نیز فعال شود. تهران نیز تلاش دارد از افزایش نفوذ ترکیه در قفقاز بدون هماهنگی جلوگیری کند. سفر فیدان می‌تواند نقطه‌ای برای تنظیم دوباره این رقابت‌ها و هم‌زمان تقویت همکاری‌های متوازن باشد.

در مجموع، سفر وزیر خارجه ترکیه به تهران تنها یک دیدار دیپلماتیک معمولی نیست. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که معادلات سوریه، عراق، قفقاز، روابط ایران و غرب و حتی پرونده پ.ک.ک همگی در حال تغییر هستند. آنکارا می‌داند که بدون هماهنگی با تهران، هیچ‌یک از این پرونده‌ها به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. در مقابل، ایران نیز آگاه است که در فضای پس از ماشه و افزایش فشارها، داشتن یک شریک فعال منطقه‌ای مانند ترکیه می‌تواند فرصتی برای بازکردن مسیرهای تازه باشد.

اردشیر پشنگ: ترکیه می‌خواهد ایران را در بازی منطقه‌ای شریک‌کند



در وااگوی دقیق‌تر اهداف سفر هاکان فیدان به تهران، اردشیر پشنگ در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند: «ترکیه در قرن اخیر همواره در تلاش بوده وزن و نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش دهد و حوزه نفوذ خود را در گستره وسیعی از جغرافیا گسترش دهد؛ از آسیای میانه و آسیای صغیر گرفته تا قفقاز، خاورمیانه و شامات و حتی بخش‌هایی از اروپا. این رویکرد که در ادبیات ژورنالیستی با عنوان «عثمانی‌گری» شناخته می‌شود، گاهی با دکتربین‌هایی مثل «تنش صفر» احمد داوود اوغلو همراه بوده و گاهی با نفوذ پایدار و اثرگذاری مستقیم مثل سوریه و جنگ قره‌باغ پیگیری شده است. در یک سال اخیر تحولات منطقه‌ای بسیاری در راستای منافع ترکیه بوده و این کشور برای بهره‌گیری از این فرصت‌ها، هزینه و تلاش در رخور توجهی صرف کرده است. تحلیلگر ارشد مسائل ترکیه در ادامه تحلیل خود به معادلات سوریه نیز اشاره می‌کند؛ جایی که به باور او در یک سال اخیر و روی کار آمدن دولت احمد الشرع، سبب شده تا آنکارا حضور خود در شامات را تثبیت کند و در عین حال با تنش‌زدایی در روابط با کشورهای بزرگ منطقه و فرامنطقه، از جمله عربستان سعودی و ایالات متحده، نقش کلیدی در بازگرداندن سوریه به معادلات بین‌المللی ایفا کند. کارشناس حوزه بین‌الملل این را هم افزود که «ترکیه در قفقاز نیز با حمایت نظامی و اطلاعاتی از آذربایجان در جنگ قره‌باغ، موازنه قدرت را تغییر داده و اتصال جغرافیایی منطقه‌ای که به نام «جهان ترک» شناخته می‌شود، به تحقق نزدیک شده است.» با چنین برداشتی، پشنگ تأکید می‌کند: «این اقدامات نشان‌دهنده نگاه بلندمدت و همه‌جانبه ترکیه برای تثبیت جایگاه خود در منطقه است». اردشیر پشنگ همچنین نقش هاکان فیدان را برجسته می‌کند و یقین دارد «او (فیدان) که پیش‌تر رئیس میت (رئیس سازمان امنیت ترکیه) و اکنون وزیر امور خارجه ترکیه است، در مهندسی تحولات سوریه، قفقاز، لیبی، کردها و بهبوسد روابط با آمریکا و عربستان نقش محوری داشته است.» به تعبیر تحلیلگر مسائل غرب آسیا، «سفر فیدان به تهران فراتر از یک دیدار تشریفاتی است؛ چراکه ایران و ترکیه علاوه بر مسائل مرزی و اقتصادی، دغدغه‌های مشترک و گاه متضاد در عرصه‌های منطقه‌ای دارند؛ از آسیای میانه و افغانستان گرفته تا عراق، سوریه و قفقاز. ترکیه همواره سعی کرده از ظرفیت دیپلماسی خود به‌عنوان بالانسر و کاهش‌دهنده بحران‌ها استفاده کند و در دوران تحریم‌های جدی علیه ایران، محل امنی برای تعامل غیررسمی و تفهنگ‌گاه برای تهران فراهم کند؛ ضمن اینکه از ضعف‌های ایران نیز بهره‌برداری کرده است». این مدرس دانشگاه به مسائل دوجانبه، ازجمله مرزها، مهاجران و جاده‌های توسعه‌ای مانند مسیر بصره به موصل هم اشاره می‌کند که به زعمش می‌تواند ایران را دور بزند.» در منظر پشنگ، «نقش ترکیه در کاهش فعالیت‌های اسرائیل در منطقه و تلاش برای میانجیگری در جلوگیری از بحران‌های جدید، ازجمله پرونده هسته‌ای ایران، از دیگر محورهای این سفر است.» این تحلیلگر تأکید می‌کند: «اگر

دیپلماسی ترکیه با استمرار و عقلانیت دنبال شود، می‌تواند بخشی از پرانندگی و چندصدایی منطقه‌ای را به کانالی مشخص هدایت کرده و فرصت‌های مهمی برای ایران و ترکیه ایجاد کند.» به گفته او، «ترکیه امروز نه‌تنها به دنبال تثبیت جایگاه خود در منطقه است، بلکه در پی استفاده از فرصت‌های دیپلماتیک برای ایجاد توازن عمل کند. این سفر، فرصتی است برای ایران و ترکیه تا در چارچوب مدیریت تحولات سوریه و قفقاز، نفوذ خود را افزایش دهد و در عین حال به‌عنوان یک میانجی فعال در بحران‌های منطقه‌ای آنکارا، وضعیت اقلیم کردستان و پروژه‌های اقتصادی کلان مانند همکاری‌های دوجانبه و موازنه منطقه‌ای، نقش خود را تثبیت کرده و از شرایط موجود به نفع منافع ملی بهره‌برداری کنند». در مجموع، تحلیلگر ارشد مسائل ترکیه باور دارد: «سفر هاکان فیدان به تهران مجموعه‌ای از اهداف استراتژیک و منطقه‌ای ترکیه را نمایان می‌کند؛ اهدافی که شامل تثبیت نفوذ در شامات، حمایت از دولت احمد الشرع، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، کاهش تنش با غرب و بهره‌برداری از فرصت‌های دیپلماسی برای تقویت جایگاه ترکیه در معادلات منطقه‌ای است. این سفر نشان می‌دهد که ترکیه قصد دارد با دیپلماسی فعال و حضور هوشمندانه، نقش خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای مؤثر در تحولات خاورمیانه و پیرامون آن تثبیت کند و ایران را نیز در این بازی منطقه‌ای شریک و همکار کند».

عسکر قهرمانپور: سفر فیدان را باید حلقه‌ای از زنجیره بزرگ‌تر «توازن هوشمند ایران، دانست



عسکر قهرمانپور دیگر کارشناسی بود که در یک‌پوگفت با «شرق» تأکید دارد «سفر هاکان فیدان به تهران را باید در بستری تحلیل کرد که خاورمیانه بار دیگر به نقطه جوشان رقابت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی بدل شده است. از منظر حوزه بین‌الملل، این سفر نه یک رویداد تشریفاتی، بلکه صحنه‌ای از بازی بزرگ قدرت‌ها در منطقه است؛ و دقیقا همین‌جاست که اهمیت آن برای منافع ملی ایران امتنا پیدا می‌کند. از نگاه نظریه «واقع‌گرای» در روابط بین‌الملل، دولت‌ها برای بقا و امنیت خود به دنبال افزایش قدرت، کاهش آسیب‌پذیری و ایجاد موازنه در برابر رقبای بالقوه هستند.» لذا این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل باور دارد: «در چنین چارچوبی، گفت‌وگوی تهران–آنکارا در موضوعاتی مانند سوریه، قفقاز، غزه و امنیت مرزی، بخشی از فرایند توازن‌سازی منطقه‌ای ایران است. ترکیه اگرچه عضو ناتو است، اما نقش مستقلی در سیاست منطقه‌ای ایفا می‌کند و تعامل با آن می‌تواند بخشی از فشارهای ژئوپلیتیکی علیه ایران را خشن کند. این کارشناس سیاست خارجی به پرونده هسته‌ای ایران هم ورود کرده و معتقد است: «پرونده مذکور (هسته‌ای)، جایی است که این توازن‌سازی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. نظریه «دیپلماسی چندجانبه‌گرا» و مفهوم «قدرت واسطه‌گر» نشان می‌دهد بازیگرانی مانند ترکیه قادرند در زمان افزایش فشار غرب یا تشدید تنش‌های بین‌المللی، فضای تنفسی دیپلماتیک ایجاد کنند. اکنون که پرونده هسته‌ای بار دیگر در کانون توجه غرب قرار گرفته است، نقش ترکیه می‌تواند بخشی از انزواسازی سیاسی علیه ایران را کاهش داده و پل ارتباطی با برخی بازیگران غربی باشد. چنین نقشی مستقیما در متناقضی ملی ایران پیوند دارد؛ زیرا هزینه‌های امنیتی و اقتصادی مرتبط با پرونده هسته‌ای ا قابل مدیریت‌تر می‌کند.» قهرمانپور ادامه می‌دهد: «از منظر نظریه «وابستگی متقابل پیچیده» نیز توسعه تجارت دوجانبه تا سقف ۳۰ میلیارد دلار و تقویت زیرساخت‌های مرزی و ترانزیتی، نه‌تنها یک هدف اقتصادی بلکه یک ابزار امنیتی است. هرچه وابستگی اقتصادی میان تهران و آنکارا افزایش یابد، انگیزه طرفین برای مدیریت اختلافات و جلوگیری از تنش‌های ناخواسته بیشتر می‌شود. این امر برای ایران، در شرایط تحریم‌های سنگین، یک فرصت راهبردی برای کاهش فشارهای خارجی و تثبیت امنیت اقتصادی محسوب می‌شود.»

به تعبیر این پژوهشگر، «در

مجموع، سفر فیدان را باید

حلقه‌ای از زنجیره بزرگ‌تر «توازن

هوشمند ایران» دانست؛ توازنی

که در آن ایران می‌کوشد با

ترکیبی از حضور میدانی، تعامل

دیپلماتیک و پیوندهای اقتصادی،

جایگاه منطقه‌ای خود را حفظ و

از منافع ملی‌اش در پیچیده‌ترین

مقطع دو دهه اخیر صیانت کند.

اگر این سفر بتواند هم در پرونده

هسته‌ای دستاوردی نرم ایجاد

کند، هم در امنیت پیرامونی

تنش‌زدایی کرده و هم اقتصاد

ایران را تقویت کند، آنگاه می‌توان

آن را یک موفقیت راهبردی برای

تهران ارزیابی کرد.»

گزارش خبری

فرمانده کل ارتش:

ما منتظر نخواهیم ماند تا دشمن حمله کند

فرمانده کل ارتش گفت: ما نه‌تنها منتظر نخواهیم ماند تا دشمن حمله کند، بلکه برای هرگونه پاسخ قاطع آمادگی داریم و استراتژی دفاعی بر مبنای بازدارندگی هوشمند است. امیر سرلشکر «امیر حاتمی»، فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، در مراسم گرامیداشت روز نیروی دریایی و رونمایی از پایگاه شناوری «کردستان» و الحاق ناوشکن جمهوری اسلامی ایران، «سهند»، به ناوگان جنوب نیروی دریایی ارتش، با گرامیداشت هفتم آذرماه و دلاورمردی‌های نیروی دریایی در دوران دفاع مقدس، اظهار کرد: اقدامات دلاورمردان نیروی دریایی در عملیات مروراید نماد شجاعت است. آنان با تاکتیکی بی‌بدیل، اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران را به رخ کشیدند و کاری که نیروی دریایی در هفتم آذر انجام داد، در تاریخ دریایی ایران اسلامی ماندگار و افتخارآفرین خواهد بود. فرمانده کل ارتش با بیان اینکه نیروی دریایی پس از دوران دفاع مقدس در مسیر جدیدی گام برداشت، گفت: نیروی دریایی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی و فنی نیرو و کشور، در مسیر مقدس جهاد علمی، بومی‌سازی تجهیزات و خودکفایی را دنبال کرد. به‌طوری‌که امروز با کمک صنایع دریایی وزارت دفاع و شرکت‌های دانش‌بنیان، گام‌های بلندی در این مسیر برداشته شده است. او افزود: امروز صنعت دریایی کشور در حوزه شناورهای سطحی و زیرسطحی و همچنین تجهیزات مختلف آنها از جمله تسلیحات دریایی به نقطه خوبی دست یافته است و این مسیر همچنان ادامه دارد و الحاق شناور کردستان مصداقی بر ادامه این مسیر بوده و اطمینان دارم این راه همچنان با قوت و قدرت تنهات تدابیر و فرماندهی فرمانده معظم و معزز کل قوا حضرت امام خاتمه‌ای (مدظله العالی) ادامه خواهد یافت. عضو شورای عالی امنیت ملی خاطرنشان کرد: بحمدالله امروز نیروی دریایی هم که عنصر مهمی در تحقق محسوب راهبردی و دفاعی برای کشور محسوب می‌شود، در کنار سایر نیروهای ارتش و سایر نیروهای مسلح، با اراده فولادین در دفاع از کشور و تأمین امنیت برای ملت ایران از هیچ تلاش و کوششی دریغ نخواهند ورزید. امیر سرلشکر حاتمی با بیان اینکه قدرت ایران، عاملی برای تأمین امنیت ایران اسلامی، ملت ایران و همچنین تأمین امنیت منطقه است، گفت: امروز نمی‌توان بین امنیت منطقه و امنیت کشورها تفکیک قائل شد. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و در نزدیک به پنج دهه گذشته، نقشی سازنده و بی‌بدیل جمهوری اسلامی ایران در امنیت منطقه ثابت شده و به‌ویژه اتفاقات دو سال گذشته در منطقه برای همگان ثابت کرد که عواملان اخلاق در امنیت منطقه چه کشورهای هستند و امروز برای هیچ ناظر منصفی در این مورد جای تردید باقی نمانده است. حتی درباره قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران از جمله قدرت موشکی آن که برخی دولت‌های غربی ادعاهایی داشتند، معلوم شد در پشت این ادعاها چه توطئه‌هایی علیه موجودیت ایران وجود داشته است. او همچنین اقدامات رژیم صهیونیستی را مخل هم‌گرایی کشورهای منطقه خواند و تصریح کرد: امروز نیازی به ارسال پیام لفظی صلح و امنیت برای ملت‌ها و دولت‌های منطقه نداریم و بحمدالله روند خوبی در هم‌گرایی منطقه‌ای به‌ویژه در خلیج فارس و دریای عمان بین کشورهای ساحلی وجود دارد، به‌طوری‌که بخشی از تنش آفرینی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه در واکنش به این روند هم‌گرایی و ایجاد اختلال در این روند ارزیابی می‌شود. امیر سرلشکر حاتمی با بیان اینکه قدرت دریایی از عناصر مهم در قدرت ملی به شمار می‌رود، گفت: قدرت دریا از عناصر مؤلفه‌هایی است که به قدرت یک کشور ابعاد جهانی می‌دهد. یعنی کشوری که محصور در خشکی باشد، با محدودیت‌های جدی‌ای برای تبدیل‌شدن به یک قدرت جهانی مواجه خواهد بود.